**نام مقاله: نقش و جايگاه مخازن سازماني در اشاعه و دسترس پذير كردن اطلاعات در جامعه علمي**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 49 \_ شماره اول، جلد 13**

**پديدآور: مهدي زاهدي، محمد زره ساز**

**مترجم:**

**چكيده**

**جنبش دسترسي آزاد امروزه به عنوان يكي از جنبشهاي تحول خواه و تأثيرگذار در جوامع علمي مطرح است. ماهيت و هدف اين جنبش يعني دسترسي آزاد به يافته­هاي علمي با هدف اصلي كتابخانه­ها و كتابداري يعني دسترس پذير كردن اطلاعات براي كاربران بدون اعمال سانسور و يا هر گونه سوگيري، ارتباط تنگاتنگ دارد. منابع شناخته شده در جنبش دسترسي آزاد عبارتند از: آرشيوها و مخازن دسترسي آزاد، چاپهاي الكترونيكي و مجله‌هاي دسترسي آزاد. يكي از انواع آرشيوها ومخازن دسترسي آزاد، مخازن سازماني مي‌باشند. مخزن سازماني، محملي است كه برونداد رقومي يك سازمان را شناسايي، ثبت، سازماندهي و محافظت مي‌كند و دسترسي به آنها را فراهم مي سازد.**

**در اين مقاله، پس از ارائه توضيحي كوتاه راجع به جنبش دسترسي آزاد و معرفي منابع آن، مخزن سازماني به عنوان ابزاري نوين و كارآمد در دسترس پذير كردن اطلاعات سازماني تعريف مي شود. افزون بر آن، مطالبي نيز درباره ويژگيها، فلسفه وجودي، محتوا، مزايا و چالشهاي مخازن سازماني ارائه خواهد شد. در ادامه، برخي از شاخص‌ترين نرم افزارهاي منبع باز موردنياز جهت ايجاد اين مخازن معرفي مي شوند و در پايان به نقش كتابخانه ها و كتابداران به عنوان متوليان گرد آوري و دسترس پذير ساختن اطلاعات سازماني در ايجاد و ترغيب استفاده از اين نوع منابع پرداخته خواهد شد.**

**كليدواژه‌ها: مخازن سازماني، جنبش دسترسي آزاد، نرم افزارهاي منبع باز، ارتباطهاي علمي**

**مقدمه**

**با پيدايش شبكه جهاني اينترنت، بتدريج منابع و پايگاه‌هاي اطلاعاتي مختلفي پا به عرصه وجود گذاشتند و از طريق اين شبكه در اختيار همگان قرار گرفتند. با توسعه اين منابع الكترونيكي در شبكه جهاني اينترنت، بتدريج جنبشي شكل گرفت كه به «دسترسي آزاد»[1] معروف شد. پيشينة ايده دسترسي آزاد به متون علمي، به پيش از همگاني شدن اينترنت و رشد نشريه‌هاي الكترونيكي با دسترسي آزاد بر مي‌گردد (جمالي مهموئي و ديگران، 1385). اين جنبش هدفي مقدس و قديمي دارد كه انسانها در طول تاريخ براي تحقق آن تلاش كرده اند و آن، دسترسي بدون قيد و شرط و بدون هيچ نوع محدوديت به مطالب و يافته‌هاي علمي براي هر انساني فارغ از نژاد، رنگ، مليت و فقير و غني است. هدف از اين جنبش، گسترش علم و توسعه دسترسي به يافته هاي علمي براي عموم و نه افراد برگزيده و منتخب است و هيچ‌گاه دسترسي نداشتن به يافته‌هاي علمي را به دليل بضاعت مالي نامناسب و يا موانع قانوني و حقوقي، مجاز نمي‌شمارد. جنبش دسترسي آزاد همچنين ساختار و نظام ارتباطهاي علمي را تغيير داده و سبب پيدايش شبكه اي مستحكم از پيوندها و تبادلها در جامعة علمي شده است. محملها و منابع مختلفي نيز تحت پوشش هدفهاي علم دوستانه اين جنبش پديدار گشته اند كه مخزن سازماني يكي از آنهاست. در اين مقاله، تلاش مي شود تا اين نوع از منابع باارزش و داراي اهميت سازماني و علمي، به‌طور كامل معرفي و كاربردهاي آن برشمرده شود.**

**تعريفهاي مخزن سازماني**

**پيش از ارائه چند تعريف از مخزن سازماني، بايد برخي از منابع دسترسي آزاد را تعريف كرد تا تفاوت و تمايز آنها با يك مخزن سازماني، روشن و قابل درك گردد.**

**·چاپهاي الكترونيكي[2]**

**«پين فيلد»[3] چاپهاي الكترونيكي را به عنوان ويرايشهاي الكترونيكي مقاله‌ها يا بروندادهاي پژوهشي مشابه تعريف مي‌كند. اين منابع ممكن است شامل پيش چاپها[4] (مقاله‌هاي داوري نشده) و يا پس چاپها[5] (مقاله‌هاي داوري شده) باشند (Pinfield, 2003). اين منابع حتي ممكن است شامل فصلهاي يك كتاب علمي، مقاله‌هاي يك همايش و يا هر نوع برونداد پژوهشي ديگر مانند گزارشهاي فني بشوند. به عبارت ديگر، اين منابع، مخزني الكترونيكي از منابع پژوهشي قابل دسترس براي عموم هستند كه برخي از آنها داوري شده و برخي ديگر براي دريافت بازخورد به منظور ارسال به نشريه‌هاي علمي، به صورت داوري نشده مي باشند (Garner, Horwood , & Sullivan, 2001).**

**نخستين مخزن چاپهاي الكترونيكي در سال 1991 با عنوان Los Alamos Physics Archive توسط «پل گينسپارگ» به وجود آمد (Ginsparg, 1997; Luce, 2001) كه امروزه با عنوان arXiv.org فعاليت مي كند و از سال 2001 دانشگاه كورنل[6] ميزبان آن است. اين پايگاه سالهاست در شبكة جهاني اينترنت، به عنوان منبع و مخزن علمي وسيع و جامع شناخته شده كه شامل مقاله‌هاي پژوهشي داوري شده نيز مي باشد.**

**·مجله‌هاي دسترسي آزاد[7]**

**راهنماي مجله هاي داراي دسترسي آزاد[8] مجله دسترسي آزاد را چنين تعريف مي‌كند:**

**«مجله‌اي كه براي انتشار از الگويي استفاده مي‌كند كه در آن هيچ هزينه‌اي از خواننده دريافت نمي‌شود و خواننده از حق خواندن، چاپ كردن، ارسال به ديگران و پيوند دادن به آن برخوردار است» (DOAJ, 2004). «پيتر سابر»[9] از نويسندگان معروف در حوزة جنبش دسترسي آزاد، مجلة الكترونيكي دسترسي آزاد را مجله‌اي معرفي مي‌كند كه حاوي مطالب متنوع به صورت رقومي، پيوسته، رايگان و بدون هيچ محدوديتي از لحاظ مجوز دهي و يا حق مؤلف باشد (Suber, 2004). مجله‌هاي دسترسي آزاد تقسيم‌بنديهاي متفاوتي دارند كه براي نمونه مي‌توان به تقسيم بندي آنها به مجله‌هاي دسترسي آزاد با تأخير، مجله‌هاي دسترسي نيمه آزاد و مجله‌هاي دسترسي آزاد اشاره كرد (به نقل از سيامك، 1386).**

**· آرشيوها و مخزنهاي دسترسي آزاد[10]**

**در اواخر دهه 1990 مشخص شد كارايي هر يك از مخزنهاي چاپهاي الكترونيكي، با برقراري ارتباط و تعامل ميان آنها قابل افزايش است. از اين رو، «سانتا فو كانوانسيون»[11] طرحي را با عنوان آرشيوهاي دسترسي آزاد[12] طراحي و اجرا نمود. هدف از اين طرح، ايجاد يك پايگاه اطلاعاتي قابل جستجو از مقاله‌هاي علمي و پژوهشي در شبكه جهاني اينترنت بود. بدين منظور، فراداده‌اي با عنوان OAI Metadata طراحي شد كه در قالب ابرداده دوبلين كور، حاوي فيلدهاي اطلاعاتي چون مؤلف، كليدواژه هاي عنواني، اصطلاحات موضوعي، چكيده و تاريخ مي‌باشد (Pinfield, Gardner, & MacColl, 2002). محتواي اين آرشيوها از طريق تمام موتورهاي جستجويي كه اين نوع منابع را نمايه مي‌كنند، مانند OAIster (با آدرس:**

**http://oaister.umdl.umich.edu/o/oaister) يا Google Scholar (با آدرس: /http://scholar.google.com) قابل جستجو و بازيابي است.**

**سه نوع منبع زير، در حقيقت آرشيوهاي دسترسي آزاد با ماهيتهاي متفاوتند :**

**1- آرشيوهاي موضوعي**

**برخي از آرشيوهاي دسترسي آزاد، خاصّ يك موضوع تخصصي يا رشتة علمي بوده و آرشيوهاي موضوعي ناميده مي شوند.**

**2- وب سايت مؤلفان**

**برخي از اشخاص و محققان و دانشمندان معروف حوزه هاي موضوعي مختلف، مقاله‌هاي خود را در وب‌سايتي كه خود تهيه كرده اند آرشيو نموده و در حقيقت يك خودآرشيو به وجود آورده‌اند.**

**3- مخزنهاي سازماني[13]**

**مخزنهاي سازماني هم بر اساس فرايند خودآرشيوي شكل گرفته و تكميل مي‌شوند. خودآرشيوي، عملي است كه در آن تهيه كننده يا تهيه كنندگان يك منبع، منبع خود را در يك مخزن رقومي[14] آرشيو مي‌كنند. اين فرايند ممكن است به صورت خودكار و يا پس از بررسي و تأييد گردانندگان آرشيوهاي رقومي صورت بپذيرد (Chan, 2004; Harnad, 2001; Johnson, 2002).**

**در دو مورد اول، با توجه به اينكه به اطلاعات يك حوزة خاص پرداخته مي‌شود، جنبة موضوعي داشته و نقش سازماني ندارند. برخلاف مخازن موضوعي، مخازن سازماني، اطلاعات مرتبط در حوزه هاي موضوعي گوناگون را كه تحت نام يك سازمان منتشر مي‌شوند، گردآوري مي‌كند.**

**«اسپارك»[15]يك مخزن سازماني را اين‌گونه معرفي مي‌كند: «آرشيوي رقومي از محصولات فكري تهيه شده توسط اعضاي هيئت علمي، كاركنان پژوهشي و دانشجويان يك سازمان براي كاربران نهايي موجود در داخل و خارج سازمان كه با موانع كمي قابل دسترس باشند» (Crow, 2002, p.16). «آلارد و ديگران» (Allard, Thura, & Feltner-Reichert, 2005) مخازن سازماني را مجموعه هاي رقومي مي‌دانند كه بازده فكري يك دانشگاه، سازمان و يا گروهي از آنها را جمع‌آوري و نگهداري مي‌نمايد. «فوستر و گيبونز» (Foster & Gibbons, 2005) نيز يك مخزن سازماني را به شرح زير تعريف مي كنند:**

**«يك نظام الكترونيكي كه محصولات رقومي يك جامعه را گردآوري و نگهداري كرده و دسترسي به آنها را فراهم مي‌سازد». اين نوع منابع، ابزار جديدي براي گردآوري، مديريت، اشاعه و نگهداري آثار علمي پديد آمده به صورت رقومي توسط اعضاي هيئت علمي و دانشجويان در دانشگاه ها، دانشكده ها و سازمانهاي مختلف پديد آورده است. به عبارتي ديگر، اين منبع ابزاري براي گردآوري، نگهداري و ذخيره و اشاعه اطلاعات سازماني است. يك مخزن سازماني مي‌تواند مجموعه‌اي از فرايندها و خدمات نظير ذخيره‌سازي، سازماندهي، حفاظت و نگهداري، دسترسي، توزيع و اشاعة محتويات رقومي را ارائه كند. كليفورد اي لينچ (Lynch, 2003)، دبير اجرايي اتحاديه اطلاعات شبكه‌اي[16] معتقد است يك مخزن سازماني كارآمد، حاصل همكاري مؤثر ميان كتابداران، مديران فناوريهاي اطلاعاتي، آرشيويست‌ها، اعضاي هيئت علمي، مديران و راهبران دانشگاه‌ها و سازمانهاي علمي ـ پژوهشي است. بر همين اساس، وي مخازن سازماني را بخشي از خدمات ارائه شده توسط يك دانشگاه يا سازمان مي داند كه امكان مديريت و اشاعة مواد رقومي پديد آمده توسط سازمان و اعضاي آن را فراهم مي‌كند.**

**ويژگيهاي مخزنهاي سازماني**

**مخزنهاي سازماني به طور كلي داراي ويژگيهاي زير هستند:**

**· دارا بودن محتواي رقومي**

**منابع و مواد موجود در مخزنهاي سازماني، قالبي رقومي دارند و اين از پيش نيازهاي منابع دسترسي آزاد و اين نوع منابع است.**

**· منشأ سازماني[17]**

**اين نوع منابع درصدد گردآوري، ذخيره، سازماندهي و اشاعة اطلاعات يك سازمان خاص بوده و بازنمون محتويات فكري كارشناسان آن به شمار مي آيند. اين خصوصيت و ويژگي نيز از ويژگيهاي اصلي مخزنهاي سازماني است (Lynch, 2003).**

**· دارا بودن محتويات علمي[18]**

**هر مخزن سازماني بسته به هدفهاي مورد نظر آن سازمان، مي‌‌تواند شامل منابع علمي توليد شده توسط دانشجويان، اعضاي هيئت علمي، پژوهشگران و كاركنان آن باشد. با اين حال، از ويژگيهاي اين مخزنها، علمي بودن محتويات آنهاست كه مورد تأييد محققان و پژوهشگران قرار گرفته است (Johnson, 2002).**

**· خاصيت انباشتگي تدريجي و دائمي بودن[19]**

**منابعي كه در مخازن سازماني آرشيو مي‌شوند، قابل حذف نيستند؛ مگر در حالت توهين[20]، دزدي ادبي[21]، نقض حق مؤلف[22] يا ارائه علم نادرست[23]. پاك كردن محتويات، در حقيقت فسخ اصول ثبت نامي است كه در آغاز به منظور شروع همكاري به افراد اعلام مي‌شود. اين لزوماً بدين معنا نيست كه تمام محتوا به طور دائم در سراسر جهان قابل دسترسي خواهد بود. سازمانها بايد معيارها و خط مشي‌هاي خود را براي اعطاي اجازة دسترسي به محتواي مخزن خود، هم براي داخل و خارج از سازمان وضع كنند و در آن حداكثر تسهيلات را براي دسترسي اعضاي هيئت علمي و پژوهشگران به محتواي اين نوع از منابع درنظر بگيرند. همچنين، هدف مخازن سازماني، نگهداري محتوا و ايجاد قابليت دسترسي طولاني مدت به آن براي ديگران است كه اين دو لازم و ملزوم يكديگر مي باشند (Johnson, 2002).**

**· قابليت ميانكنش پذيري و دسترسي آزاد[24]**

**تأمين دسترسي آزاد به فرآورده‌هاي فكري توليد شده توسط سازمان، آگاهيهاي ديگران را از فعاليتهاي پژوهشي آن سازمان افزايش مي‌دهد. هدفهايي كه سبب مي‌شود يك سازمان، يك مخزن رقومي را ايجاد و نگهداري نمايد، همان نياز افراد داخل و خارج از سازمان به دسترسي بدون مانع به اين محتويات بااهميت و با ارزش سازماني است. به منظور ايجاد حوزة دسترسي وسيع‌تر، كاربران خارج از سازمانها نيز بايد بتوانند اطلاعات مخزن را پيدا و بازيابي كنند. بدين منظور، نرم‌افزارهاي مخزنهاي سازماني به منظور ايجاد امكان بازيابي از طريق موتورهاي جستجوي متعدد و ديگر ابزارهاي كاوش، بايد ميانكنش‌پذير و از طريق شبكه جهاني اينترنت قابل جستجو شوند (Johnson, 2002). البته، مخزنهاي سازماني اجازه دسترسي يا نسخه برداري آزاد از برخي از منابع خود را به همگان نمي دهند. به هر حال، ملاحظات و مقررات اداري سبب مي‌شود برخي از منابع سازماني جنبة محرمانه پيدا كنند و تنها براي برخي از كاربران مجاز قابل دسترس باشند. اين ممنوعيتهاي دسترسي، طبيعتاً بر اساس خط مشي و قوانين دسترسي تعريف شده توسط گردانندگان مخزنها و مديران سازمان بوده كه در آغاز فعاليت آنها تدوين و مصوب مي‌شود.**

**فلسفة وجودي مخزن ساماني**

**عواملي چون فشارهاي خارجي و بحران مربوط به كمبود بودجه، سازمانها و دانشگاه‌ها را به ساخت و راه‌اندازي مخزنهاي سازماني خود ترغيب نموده است. اين مخزنها برونداد علمي پژوهشگران خود را به صورت رايگان و از طريق قالبهاي رقومي، جمع‌آوري، اشاعه و نگهداري نموده‌اند (Chan, Kwok, & Yip, 2005). كتابخانه‌ها مي‌توانند با استفاده از مخزنهاي سازماني، ارتباط موجود ميان توليدات پژوهشي دانشگاه‌ها و ساير سازمانهاي پژوهشي را تقويت كنند. اين نقش با درك اين واقعيت كه مخزنهاي سازماني نه تنها باعث افزايش دسترسي به اطلاعات مرتبط پژوهشي شده بلكه در عين حال تأثير و نقش كتابخانه را در داخل دانشگاه تقويت مي‌كنند، پررنگ‌تر مي‌شود (Carver, 2003). «لينچ» (Lynch, 2003) پيشنهاد مي‌كند مخزنهاي سازماني به عنوان قالبي جديد از انتشارات علمي مطرح و بررسي شوند و كتابخانه ها را فرا مي‌خواند تا از اين منابع براي «جمع‌آوري و نگهداري رقومي بسياري از وقايع محيط دانشگاه از جمله همايشها، جلسات و سخنرانيها» استفاده كنند.**

**ايجاد مخزنهاي سازماني، سبب شده دانشگاه‌ها از طريق اين نوع منابع راهبردي جديد را در قبال انتشار سريع و به موقع توليدات و انتشارات پژوهشي پژوهشگران خود اتخاذ كنند كه تأثير مثبت و سازنده‌اي در جوامع علمي دانشگاهي برجاي گذاشته است. به عقيدة «جانسن» (Johnson, 2002) مخزنهاي سازماني، پاسخي راهبردي در جهت تأمين فرصتهاي ايجاد شده توسط محيط شبكه‌اي رقومي و رفع چالشهاي نظام‌مند موجود در نظام انتشار مقاله‌ها در مجله‌هاي علمي امروزي ارائه مي‌كنند.**

**پيدايش مخزنهاي سازماني، ناشي از افزايش اين آگاهي است كه فراورده‌ها و بروندادهاي دانشگاهي كه با استفاده از بودجه هاي پژوهشي دانشگاه‌ها توليد مي‌شوند جزء «كالاهاي عمومي»[25] بوده و بايد به صورت رايگان قابل استفاده باشند. اصل «دسترسي آزاد»[26] (OA) در حقيقت بيانگر همين مطلب است (Pickton and Barwick, 2006).**

**محتواي مخزنهاي سازماني**

**مانع اصلي براي هر تغيير در ساختار اساسي ارتباطهاي علمي، به كاستيها و مشكلات الگوي نشر سنتي مرتبط است. اين مشكلات و كاستيها را اعضاي هيئت علمي دانشگاه‌ها عميق‌تر و ملموس‌تر از ديگران درك مي‌كنند. مؤلفان و محققان دانشگاهي بندرت پاداش قابل توجه و چشمگيري براي انتشار مقاله‌هاي پژوهشي خود دريافت مي‌كنند. انگيزه آنها از انتشار مطالب علمي خويش، بيشتر تلاش براي شناخته شدن و پيشرفت شغلي و همچنين همكاري در پژوهشهاي رشته خويش است. بدين ترتيب، خط مشي جذب محتوا و قالبهاي پژوهشي براي مخازن سازماني بايد با توجه به اين نيازها و ادراكهاي اعضاي هيئت علمي طراحي شود.**

**افزايش پديداري[27] حرفه‌اي، مزيّت اصلي است كه از ايجاد امكان دسترسي آزاد به محتواي پژوهشهاي يك پژوهشگر نصيب وي مي‌شود. پژوهشها نشان داده است كه با فرايندهاي نمايه‌سازي و جستجوي بجا و مناسب، مقاله‌هاي پيوسته دسترسي آزاد به طور قابل ملاحظه‌اي، نرخ استنادي بالاتري نسبت به مقاله‌هاي منتشر شده به صورت سنتي دارند ( Harnad et al., 2008). اين نوع پديداري و آگاهي، هم براي مؤلف و هم براي سازمان ميزبان مؤلف، نشانه خوبي از توسعه‌‌يافتگي علمي است.**

**مخزنهاي سازماني، حاوي منابع متعدد با محتوا و شكلهاي متنوع است. همان‌گونه كه پيش از اين نيز اشاره شد، محتواي يك مخزن سازماني ممكن است كاملاً علمي (Crow, 2002) باشد يا ممكن است شامل مواد مديريتي، آموزشي و پژوهشي منتشر شده يا منتشر نشده باشد (Rothery et al., 2008). به اعتقاد «جنكينس» (Jenkins, Breakstone & Hixson, 2005)، «كوهن» (Cohen, Martin & Schmidle, 2007)، «ييتس» (Yeates, 2003)، «چانگ» (Chang, 2003) و «بيلي» (Bailey, 2005) منابع اشاره شده در زير را مي‌توان در مخزنهاي سازماني مشاهده كرد، اما نكته قابل توجه آن است كه اين منابع حتماً بايد منشأ سازماني داشته باشند. همه انواع منابع رقومي شده مانند مقاله‌ها، گزارشها، پايان‌نامه‌ها، خبرنامه‌ها، بولتن‌ها، متن سخنرانيها، عكسها، داده‌هاي پژوهشي، طرحهاي پژوهشي، راهنماها، گزارشهاي اداري، صورتجلسه‌ها و حتي منابع چند رسانه‌اي، ممكن است در اين محمل ذخيره شوند.**

**مزايا و چالشهاي مخزن سازماني**

**از مزاياي مخزنهاي سازماني، به موارد زير مي‌توان اشاره كرد:**

**·ابزاريجهت افزايش پديداري[28] و اعتبار سازمانها و يا دانشگاه‌ها: ممكن است از يك مخزن سازماني معتبر، براي حمايت از فعاليتهاي بازاريابي دانشگاه‌ها و سازمانها به منظور جذب كاركنان، دانشجويان و تخصيص بودجه بيشتر استفاده شود (Pikton & Barwick, 2006).**

**·ذخيرة تمام انواع انتشارات سازماني شامل متون منتشر شده و نشده[29]: مخزنهاي سازماني سبب مي‌شوند سازمانها تمام انواع انتشارات خود را، اعم از آنهايي كه منتشر شده يا منتشر نشده‌اند، در پايگاهي ذخيره و براي استفاده در دسترس ديگران قرار دهند (Pikton & Barwick, 2006).**

**·پشتيباني از فرايند يادگيري و تدريس. منابع موجود در اين مخزنها و ساير پيوندهاي موجود در آنها مي‌تواند با محيط يادگيري مجازي و فهرست كتابخانه در ارتباط باشد و از فرايند تدريس و آموزش پشتيباني كند (Day, 2003).**

**·بهبود كارآيي اجرايي[30]. مي‌توان تعهدات مربوط به مديريت پيشينه ها، نگهداري، سلامت، ايمني و آزادي اطلاعات را بويژه در زماني كه مخزن سازماني با ديگر پايگاه‌هاي اطلاعاتي سازماني يكپارچه مي‌شود، از طريق اين منبع عملي ساخت (Heery and Anderson 2005, p.5).**

**·امكان صرفه‌جويي‌هاي هزينه‌اي بلند مدت. اين اعتقاد وجود دارد كه به‌كارگيري مخزنهاي سازماني و ايجاد امكان دسترسي گسترده به منابع دانشگاهي و سازماني، سبب كاهش هزينة اشتراك منابع اطلاعاتي و ايجاد صرفه‌جويي در هزينه‌هاي مربوط به تهية اين منابع شده است (Pinfield 2002b, p.262).**

**·ايجاد زمينه جهت تقويت همكاري علمي و توسعة ميان رشته‌اي پس از آگاهي از فعاليتهاي ديگر استادان و پژوهشگران (Rieger, 2007)**

**·كمك به ساخت نظام اطلاعاتي پژوهشهاي سازماني از طريق ايجاد محملي يكپارچه جهت انتشار توليدات علمي سازمان (Whitehead, 2005).**

**· مخازن سازماني همچنين براي مؤلفان و پديدآورندگان مواد آن، مزيتها و منافعي دارد كه مي‌توان به موارد زير اشاره كرد:**

**·افزايش دامنة اشاعه و تأثير. پژوهشها نشان داده است استفاده و استناد به منابع دسترسي آزاد، از آثاري كه دسترسي محدود دارند، بيشتر است (Antelman, 2004 .p.373; Kurtz, 2004).**

**·ذخيره و دسترسي به طيف وسيعي از منابع. مخزن سازماني در مقايسه با ناشران سنتي، منابع متنوع‌تري را مانند آثار هنري رقومي، دادگانها و مواد ديداري و شنيداري، نگهداري و ارائه مي‌نمايند. در مقايسه با وب‌سايتهاي شخصي و سازماني نيز اين منابع، امنيت بيشتر و دسترس پذيري بلند مدت‌تري را فراهم مي‌كنند.**

**·بازخورد و تفسير[31]. برخي مخزنهاي رقومي اجازة واگذاري پيش از انتشار «مقاله‌هاي پيش‌چاپ» را مي‌دهند و اين امكان را فراهم مي‌سازند مؤلفان آنها از نظرات اصلاحي، نقدها و تفسيرهاي مربوط به نوشته خود آگاه شوند و اقدام به اصلاح و انتشار آن بنمايند.**

**·تدارك و ارائه خدمات ارزش افزوده نظير تعيين تعداد بازديدهاي از يك مقاله، سياهه انتشارات يك مؤلف و تحليلهاي استنادي (Hubbard, 2003, p.244; Pinfield, 2002b, p.262).**

**از جمله چالشها و موانع موجود بر سر راه ايجاد، توسعه و گسترش اين محمل اطلاعاتي، مي توان به موارد زير اشاره كرد:**

**·دشواريهاي توليد محتوا. يك مخزن سازماني موفق، به رضايت مؤلفان براي واگذاري اثرشان بستگي دارد. شيوه‌هاي كاري موجود مؤلفان و نگرشها و نگراني‌شان، گاهي اوقات سبب مي‌شود آثارشان را براي انتشار به اين منابع نسپارند.**

**·حمايت و تعهد[32] مداوم. راه اندازي و پشتيباني از فعاليت يك مخزن سازماني، به پذيرش يك تعهد بلندمدت نياز دارد و بايد به عنوان يك هدف راهبردي سازماني درنظر گرفته شود. در اين صورت است كه مي توان به كارآمدي و اثربخشي اين نوع منابع اميدوار بود.**

**·مديريت حقوق[33]. منابع موجود در يك سازمان داراي حقوق مالكيت فكري هستند. اين منابع ممكن است تحت مالكيت سازمان، مؤلف يا يك ناشر باشند و حقّ مؤلف آنها چالش برانگيز است (Gadd et al. 2003a, p.245). با وجود اين واقعيت كه بسياري از ناشران مجله‌ها، از خود آرشيوي حمايت مي‌‌كنند (EPrints.org, 2005) نگرانيها در رابطه با حقوق مالكيت فكري براي بسياري از مؤلفان، عامل بازدارندة اصلي براي ذخيره و اشاعة آثار آنان از طريق آرشيوهاي اينترنتي است (Heery and Anderson 2005, p.13, Pickton and McKnight 2006).**

**·ترس از قطع رابطه سنتي موجود با ناشران. اين نگراني سبب شده است ناشران و كارگزاران به دليل احساس خطر حذف شدن يا كم رنگ شدن نقش آنها در چرخة انتشارات علمي، از اين نوع منابع پشتيباني نكنند و در صدد كم‌رنگ نشان دادن مزاياي آنها نيز باشند.**

**·نگراني دربارة اعتبار داده‌هاي منتشر شده در مخزن سازماني. به دليل داوري نشدن همة مدركهاي علميِ منتشر شده در مخزنهاي سازماني، نوعي نگراني در مورد اعتبار داده‌ها و يافته‌هاي علمي وحود دارد. همچنين، معمولاً نوعي بي‌ميلي براي انتشار داده‌ها و يافته‌هاي يك پژوهش، پيش از بررسي و آزمودن كامل آن وجود دارد.**

**·وجود انحصار در انتشارات علمي. در برخي از رشته‌هاي علمي كه فقط تعداد كمي ناشر، مجله‌هاي آنها را منتشر و فرايند انتشار آنها را كنترل مي‌كنند، معمولاً از ايجاد و فعاليت مخزنهاي سازماني استقبال نمي‌شود (Yeates, 2003).**

**نرم‌افزارهاي مخزنهاي سازماني**

**در ساخت مخزنهاي سازماني به چند مورد بايد توجه كرد: الف) انتخاب نرم‌افزار مناسب (Day, 2003) ب) به كارگيري فراداده براي مواد موجود در مخزنها (Medeiros, 2003) ج) حق مؤلف در منابع دسترسي آزاد (Bide, 2002) و د) نقشي كه مخزنها ممكن است در اصلاح روند در حال پيشرفت نشر علمي با حمايت از حركت به سمت و سوي ايجاد آرشيوهاي دسترسي آزاد ايفا كنند (Prosser, 2003). به هر حال، مي‌توان گفت كه موضوعات مرتبط با محتوا براي موفقيت اين مخزنها كه در دانشگاه ها يا برخي از ديگر زمينه‌هاي سازماني برپا مي‌شوند، حياتي خواهد بود. تعيين خط مشي براي مشخص كردن مسئوليتهاي مربوط به انتخاب و گزينش منابع، سازماندهي آنها، توسعه و پشتيباني از مخزن، خدمات فني و ساير مسئوليتهاي مرتبط، از نكات چالش‌برانگيز است كه بايد به طور كامل روشن و مشخص شود (OCLC, 2003). اكثر نرم‌افزارهاي مخزنهاي سازماني به صورت منبع باز توزيع شده‌اند، يا مي‌توان چنين بيان داشت كه اكثر نرم‌افزارهاي منبع باز، مورد استقبال برپاكنندگان مخزنهاي سازماني قرار گرفته‌اند. اين نرم‌افزارها عموماً رايگان بوده و كد نرم‌افزاري آنها در دسترس است. از اين رو، هر نوع اصلاح و ويرايشي در مورد آنها امكان‌پذير است و مي‌توان آنها را با توجه به نيازها و ملاحظات محلي، بهينه‌سازي نمود. عمده نرم‌افزارهاي مطرح در اين مورد توسط سازمانهاي علمي و پژوهشي نظير دانشگاه‌ها و كتابخانه‌ها طراحي شده‌اند. از جمله اين نرم‌افزارها مي‌توان به موارد زير اشاره كرد:**

**توسط سرن (سازمان پژوهش هسته‌اي اروپا)CDSware (CERN document Server Software):**

**توسط كتابخانه هاي دانشگاه MIT و آزمايشگاه هاي شركت HP DSpace:**

**توسط دانشگاه ساوتهمپتون EPrints:**

**توسط دانشگاه ويرجينيا و كرنل Fedora:**

**توسط دانشگاه ويكاتو Greenstone:**

**مخزنهاي سازماني و كتابخانه‌ها**

**كتابداران به طور سنتي وظيفه دارند اطلاعات علمي را كه تا حد زيادي از فروشندگان تجاري فراهم‌آوري مي‌نمايند، سازماندهي و اشاعه كنند. كتابخانه ها و آرشيوها تجربه طولاني در توسعه و مديريت محتوا و بسياري از مهارتهاي كاربردي ديگر براي قالبهاي چاپي و ديگر شكلهاي مجموعه‌هاي رقومي كه قابل انتقال به محيط مخازن سازماني هستند، دارند. كتابخانه‌ها قادرند بر مبناي تجربه و مهارتهاي مربوط به مديريت مجموعه خود و اتخاذ آنها جهت گزينش محتواي مخزنهاي سازماني، نقش خود را در سازمانهايي كه در آنها خدمت مي‌كنند، تقويت نمايند (Genoni, 2004). امروزه نقش كتابداران با توجه به همكاري آنها با متخصصان فناوري اطلاعات و استادان دانشگاه رو به گسترش است. آنها تلاش دارند يافته‌هاي پژوهشي و انتشارات سازمان خويش را مديريت و اشاعه كنند (Horwood and Sullivan, 2004). كتابخانه ها در حال پذيرش نقشي فراتر از نقش نگهداري منابع اطلاعاتي هستند تا بتوانند به طور فعال در تكامل فرايند ارتباط علمي همكاري كنند (Crow, 2002).**

**برخي دانشگاه‌ها مانند دانشگاه گلاسكو، كتابخانه و كتابداران خود را موظف كرده‌اند تا در زمينة تكميل مخزن سازماني، نقش ميانجي را براي اعضاي هيئت علمي ايفا كنند و به جاي آنها مدارك را جهت انتشار در قالب مورد نظر آماده و كل فرايند انتشار داده ها را مديريت و كنترل نمايند (Ashworth, 2004).**

**به طور كلي، نقشهاي كتابخانه‌ها و كتابداران را در زمينة راه‌اندازي و پشتيباني از مخزنهاي سازماني، مي‌توان به شرح زير برشمرد :**

**·تشويق همكاران سازماني و ديگران به ارائه تحقيقات و يافته‌هاي خود براي انتشار در اين منابع. به طور كلي، يك مخزن سازماني بر پاية واگذاري داوطلبانه مدارك و بروندادهاي سازماني و علمي پايه‌ريزي مي‌شود و توسعه آن را تضمين مي‌كند. پژوهشگران ممكن است حمايت خود را از طرح مخزن سازماني اعلام كنند، اما خيلي داوطلبانه آن را انجام ندهند. به همين دليل، كتابداران مجبور مي‌شوند به سمت پذيرش نقش گردآوري محتوا براي مخازن خويش گرايش پيدا كنند (Mackie, 2004). همان‌گونه كه اشاره شد، چالش اساسي در زمينة توسعه يك مخزن سازماني، مرتبط به ملزومات فني آن نيست، بلكه چالش اساسي، تغيير نگرش پژوهشگران براي خود آرشيوي آثار علمي و پژوهشي خود است (Nixon, 2002). كتابداران مرجع مي‌توانند با توجه به اطلاعات با ارزش خود، با مؤلفان و پژوهشگراني كه مي‌توانند آثار و يافته هاي خود را جهت انتشار به مخزن سازماني بسپارند، ارتباط برقرار كنند. آنها همچنين مي‌توانند علاقه اعضاي هيئت علمي و پژوهشگران را به مخزنهاي سازماني افزايش دهند و به آنها كمك كنند تا در حوزه‌هاي موضوعي‌شان با تسهيم تجارب مثبت خود، به رشد و توسعة علمي كمك كنند. كتابداران مرجع همچنين مي‌توانند با دانش‌آموختگان ارتباط برقرار و آنها را براي ارائه محتوا به مخزن سازماني خود تشويق كنند.**

**·با برگزاري كارگاه‌هاي آموزشي براي آشنايي با اين محمل، مي‌توانند زمينة آشنايي و استفادة جامعه را مهيا كنند.**

**·توصيه به اعضاي دانشگاه دربارة رعايت حقّ مؤلف و تبيين خط مشي‌هاي مربوط به مخزن سازماني.**

**·تبديل مدارك به يك قالب مناسب و پذيرفته شده نظير HTML يا PDF به منظور درج در مخزن سازماني.**

**·بارگذاري مدارك بر روي مخزن سازماني به نيابت از طرف مؤلفاني كه وقت و يا توانايي كافي را در اين زمينه ندارند.**

**·بررسي و انتخاب فرادادة مناسب جهت نگهداري مدارك (Nixon, 2002).**

**·فعاليت به عنوان عامل و مبلّغ تغيير و تحول با تبليغ و ترويج استفاده از مخزنهاي سازماني توسط اعضاي هيئت علمي و دانش‌آموختگان.**

**·آموزش كاربران و تهيه راهنماهايي براي استفاده و جستجوي مخزنهاي سازماني.**

**·كمك به كاربران محلي و دوردست با كاربرد مخزنهاي سازماني، پاسخ‌دهي به سؤالها دربارة خط مشي‌ها و دستورالعملهاي مخزنها سازماني و استفاده از مخزنها براي پاسخگويي به سؤالهاي مرجع (Bailey, 2005b).**

**در داخل اين چارچوب، كتابخانه ها نقش مهمي را در ساخت و نگهداري زير ساخت مخزنهاي سازماني ايفا مي‌كنند، زيرا هميشه مجموعه‌هاي سازماني خويش را مديريت كرده‌اند و در زمينه ارزيابي، سازماندهي و توسعه مجموعه‌هاي خود مهارت زيادي دارند و همچنين ابزارهاي بسيار كارايي براي تسهيل اين امور ساخته‌اند. به اين جهت است كه برخي كتابخانه‌ها، مانند كتابخانه‌هاي مؤسسه فناوري ماسوچوست[34] در نوامبر سال 2002 پيشقدم شدند تا يك مخزن سازماني را براي سازمان خود ايجاد كنند (Smith et al., 2003).**

**كتابداران همچنين بايد در اين رابطه، مهارتها و تخصصهايي داشته باشند كه برخي از آنها عبارتند از:**

**·داشتن تخصص موضوعي. تخصص موضوعي زماني كه نياز باشد تا فرهنگ نشر رشته‌هاي مختلف را بشناسيم، ضرورت مي‌يابد. به علاوه، اين تخصص در شناسايي داراييهاي علمي سازمانها و دانشگاه‌ها بسيار مؤثر است.**

**·مهارت طراحي پايگاه‌هاي اطلاعاتي. شناخت اين مهارت با توجه به شيوه‌هاي اطلاع‌رساني نوين و دنياي اينترنت و شبكه، بسيار ضروري و اجتناب ناپذير است.**

**·مهارت ايجاد و توسعه فراداده. اين مهارت، از مهارتها و تخصصهاي كتابداران در عصر فناوري اطلاعات و ارتباطات است تا داده هاي پايگاه اطلاعاتي و مخزن سازماني، به آساني دسترس‌پذير گردد.**

**·تخصص سازماندهي اطلاعات. اين تخصص نيز به دليل فراهم آوردن بستر مناسب جهت بازيابي سريع و آسان اطلاعات توسط كاربران اهميت پيدا مي‌كند.**

**·مهارتهاي ارتباطي. مهارتهاي ارتباطي، براي عرضة مخزن سازماني براي هيئت علمي و مديران و همكاران سازماني و دانشگاهي ضروري به نظر مي‌رسد (Dill & Palmer, 2005).**

**نتيجه‌گيري**

**بر اساس آنچه در اين مقاله آمد، مخزنهاي سازماني به عنوان يكي از ابزارها و محملهاي نوين نشر علمي، جايگاه خود را در دانشگاه‌ها و سازمانهاي علمي و پژوهشي باز كرده و بسياري از انواع منابع و مدارك علمي توليد شده در شكلها و قالبهاي مختلف در سازمانها را مي‌توان در آنها يافت. همچنين، نرم‌افزارهاي متنوعي كه منبع باز و ساخته خود دانشگاه‌ها با همكاري كتابداران هستند، براي راه‌اندازي مخزنهاي سازماني به صورت گسترده توزيع و استفاده مي‌شوند. با گسترش و توسعة اين منابع و عرضه آنها از طريق شبكه جهاني اينترنت و نمايه شدن محتواي آنها در موتورهاي جستجو، امكان ديده شدن، بازيابي و استفاده شدن مدارك و محتواي مخزنهاي سازماني افزايش مي‌يابد و همين امر سبب افزايش ضريب نفوذ و تأثير و همچنين بالاتر رفتن اعتبار سازمان در محيط خارج سازماني مي‌گردد.**

**به طور كلي، امروزه عوامل تسهيل كنندة اجراي پروژه‌هاي مخزنهاي سازماني در دانشگاه و سازمانهاي مختلف در سرتاسر جهان در حال افزايش هستند. اما نكته بسيار حايز اهميت در ساخت و شكل‌گيري اين منابع، زير ساخت فرهنگي سازمان يا به عبارت ديگر فرهنگ سازماني حاكم بر اشتراك دانش از طريق اين ابزار است.**

**به هر حال، كتابداران با توجه به تعامل سازنده‌شان با سازمان مادر خود و كاركنانش، مي‌توانند با نشان دادن كاركردها و سودمنديهاي مخزنهاي سازماني در عمل و به صورت عيني، در راستاي ايفاي نقش سنتي خويش كه مديريت انواع منابع اطلاعاتي (علمي و غير علمي) است حركت كرده و به عنوان متولي مديريت اين مخزنها در دانشگاه‌ها و سازمانها خود را مطرح نمايند.**

**در نهايت، مي‌توان چنين گفت كه كتابداران هر چه تلاش كنند تا اين مخزنها را در دانشگاه‌ها و سازمانهاي خود ايجاد و تقويت نمايند، بيشتر و بهتر قادر خواهند بود تا نقش خويش را به عنوان مديران اطلاعاتي ايفا كنند. پررنگ شدن نقش كتابداران از اين طريق، مي تواند بيش از پيش سبب افزايش تأثير حضور و نقش آنها در سازمانهاي متبوعه شان شود و جامعه را با اهميت وظايف آنها در مديريت و اشاعه منابع اطلاعاتي آشناتر بسازد.**

**منابع**

**- جمالي مهموئي، حميدرضا و ديگران (1385). «مجله‌هاي علمي دسترسي آزاد و الگوهاي مالي نشر آنها». كتابداري و اطلاع‌رساني، جلد نهم، شماره دوم، ص 11-34.**

**- سيامك، مرضيه (1386). «مجلات دسترسي آزاد: مسائل، مباحث و نگرانيهاي مطرح درباره آنها». كتابداري و اطلاع‌رساني، جلددهم، شماره دوم، ص 277-308.**

**- Allard, S., Thura, M. R., & Feltner-Reichert, M. (2005). The librarian's role in institutional repositories: A content analysis of the literature. Reference Services Review, 33(3), 325-336.**

**- Antelman, K. (2004). Do open-access articles have a greater research impact?. College and Research Libraries, 65(5), 372-382. Retrieved from http://www.lib.ncsu.edu/staff/kantelman/do\_open\_access\_CRL.pdf**

**- Ashworth, S. (2004), "The DAEDALUS project, developing institutional repositories at Glasgow University: the story so far", Library Review, Vol. 53 No.5, pp.259-64.**

**- Bailey, C. W. (2005). Open access bibliography: Liberating Scholarly,Literature with E-Prints and Open Access Journals. Washington, D.C: Association of Research Libraries.**

**- Bailey Jr., C. (2005b). The role of reference librarians in institutional repositories. Reference Services Review, 33(3), 259-267.**

**- Barton, M. R., & Waters, M. M. (2004). Creating an Institutional Repository: LEADIRS Workbook.**

**- Bide, M. (2002), “Open archives and intellectual property: incompatible world views? “, Open Access Forum, Bath, Retrieved from: www.oaforum.org/otherfiles/oaf\_d42\_cser1\_bide.pdf**

**- Carver, B. (2003). Creating an institutional repository: A role for librarians. Ex Libris(181). Retrieved from http://marylaine.com/exlibris/xlib181.html**

**- Chan, D., Kwok, C., & Yip, S. (2005). Changing roles of reference librarians: The case of the HKUST Institutional Repository. Reference Services Review, 33(3), 268-282**

**- Chan, L. (2004). Supporting and enhancing scholarship in the digital age: The role of open-access institutional repositories. Canadian Journal of Communication (29), 277-300.**

**- Chang, S.-H. (2003). Institutional repositories: the library’s new role. OCLC Systems & Services, 19(3), 77-79**

**- Cohen, S., Martin , P., & Schmidle, D. (2007). Creating a multipurpose digital institutional repository. OCLC Systems & Services: International digital library perspectives, 23(3), 287-296.**

**- Crow, R. (2002). The case for institutional repositories: A SPARC position paper. ARL Bimonthly Report (223). Retrieved from http://www.arl.org/sparc/IR/IR\_Final\_Release\_102.pdf.**

**- Day, M. (2003). Prospects for institutional e-print repositories in the United Kingdom. Retrieved from http://www.rdn.ac.uk/ projects/eprints-uk/docs/studies/impact**

**- Dill, E., & Palmer, K. L. (2005). What’s the Big IDeA? Considerations for Implementing an Institutional Repository. Library Hi Tech News, 22(6), 11-14.**

**- EPrints.org (2005). Journal policies – Summary statistics so far. Retrieved from http://romeo.eprints.org/stats.php**

**- Foster, N., & Gibbons, S. (2005). Understanding faculty to improve content recruitment for institutional repositories. D-Lib Magazine, 11(1). Retrieved from ?????**

**- Gadd, E. et al. (2003). RoMEO studies 1: The impact of copyright ownership on authorself-archiving. Journal of Documentation, 59(3), 243-277. Retrieved from http://iris.emeraldinsight.com.**

**- Garner, J., Horwood, L., & Sullivan, S. (2001). The place of eprints in scholarly information delivery. Online Information Review, 25(4), 250-256.**

**- Genoni, P. (2004). Content in institutional repositories: a collection management issue. Library Management, 25 (6/7), 300-306.**

**- Ginsparg, P. (1997). Winners and losers in the global research village. The Serials Librarian, 30(3-4), 83-95.**

**- Harnad, S. (2001). The self-archiving initiative: Freeing the refereed research literature online. Nature, (410), 1024-1025.**

**- Harnad, S., Brody, T., Vallicres, F., Carr, L., Hitchcock, S., Gingras, Y., et al. (2008). The Access/Impact Problem and the Green and Gold Roads to Open Access: An Update. Serials Review, 34(1), 36-40.**

**- Heery, R. and Anderson, S. (2005). Digital repositories review. UKOLN. Retrieved from http://www.jisc.ac.uk/uploaded\_documents/rep-review-final-20050220.pdf**

**- Horwood, L., Sullivan, S. (2004), "OAI-compliant institutional repositories and the role of library staff", Library Management, Vol. 25 No.4/5, pp.170-6**

**- Hubbard, B. (2003). SHERPA and institutional repositories. Serials, 16(3), 243-247. Retrieved from http://uksg.metapress.com.**

**- Jenkins, B., Breakstone, E., & Hixson, C. (2005). Content in, content out: The dual roles of the reference librarian in institutional repositories. Reference Services Review, 33(3), 312-324.**

**- Johnson, R. (2002). Institutional repositories: Partnering with faculty to enhance scholarly communication. D-Lib Magazine, 8(11). Retrieved from ?????**

**- Kurtz, M. J. (2004). Restrictive access policies cut readership of electronic research journal articles by a factor of two. Retrieved from http://opcit.eprints.org/feb19oa/kurtz.pdf**

**- Luce, R. (2001). E – prints intersect the Digital Library: inside the Los Alamos arXiv. Issues in Science and Technology Librarianship(29).**

**- Lynch, C. (2003). Institutional repositories: Essential infrastructure for scholarship in the digital age. ARL Bimonthly Report, 226(226), 1-7.**

**- Mackie, M. (2004), "Filling institutional repositories: practical strategies from the DAEDALUS Project", Ariadne, No.39, pp.28. Retrieved from: www.ariadne.ac.uk/issue39/mackie**

**- Medeiros, N. (2003), "E-prints, institutional archives, and metadata: disseminating scholarly literature to the masses", OCLC Systems & Services, Vol. 19 No.2, pp.51-3.**

**- Nixon, W. (2002), "The evolution of an institutional e-prints archive at the University of Glasgow", Ariadne, No.32, pp.28. Retrieved from: www.ariadne.ac.uk/issue32/eprint-archives.**

**- OCLC (2003), "OCLC environmental scan 2003: research and learning landscape", available at: www.oclc.org/membership/escan/research/repositories.htm**

**- Pickton, M. J., & Barwick, J. (2006). A Librarian's guide to institutional repositories. Retrieved from http://hdl.handle.net/2134/1122.**

**- Pickton, M.J. and McKnight, C. (2006). Research students and the Loughborough institutional repository. Journal of Librarianship and Information Science, 38 (4), 203-219.**

**- Pinfield, S. (2002b). Creating institutional e-print repositories. Serials, 15(3), 261-264. Retrieved from http://uksg.metapress.com.**

**- Pinfield, S., Gardner, M., & MacColl, J. (2002). Setting up an institutional e-print archive. Ariadne, (31). Retrieved from http://www.ariadne.ac.uk/issue31/eprint-archives/intro.html.**

**- Prosser, D. (2003), "The next information revolution: can institutional repositories and self-archiving transform scholarly communications?", IATUL Proceedings, Vol. 13, Retrieved from: www.iatul.org/conference/proceedings/vol13/papers/PROSSER\_fulltext.pdf**

**- Rieger, O. (2007). Select for success: Key principles in assessing repository models. D-Lib Magazine, 13(7-8). Retrieved from**

**- Rothery, A., Butchart, I., Campbell, L., Barker, P., Bailey, S., & Jacobs, N. (2008). Managing and sharing e-learning resources how repositories can help. from www.jisc.ac.uk/publications**

**- Smith, M. et al. (2003), "DSpace", Vol. 9 No.1, Retrieved from: www.dlib.org/dlib/january03/smith/01smith.html,.**

**- Whitehead, D. (2005). REPOSITORIES: WHAT IS THE TARGET? AN ARROW PERSPECTIVE. New Review of Information Networking, 11(1).**

**- Yeates, R. (2003). Institutional repositories. VINE: The Journal of Information and Knowledge Management Systems, 33(3), 96-101.**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**1. Open Access.**

**2. E – Prints.**

**3. Pinfield.**

**4. Pre – Prints.**

**1. Post – Prints.**

**2. Cornell University.**

**3. Open Access Journals.**

**4. DOAJ ( http://www.doaj.org/ )**

**5. Peter Suber.**

**1. Open Access Archives.**

**2. Santa Fe Convention.**

**3. Open Archives Initiative.**

**1. Institutional Repositories.**

**2. Digital repository.**

**3. The Scholarly Publishing & Academic Resources Coalition (SPARC).**

**1. Executive Director of the Coalition for networked information.**

**2. Institutionally defined.**

**3. Scholarly content.**

**1. Cumulative and perpetual.**

**2. Allegation of libel.**

**3. Plagiarism.**

**4. Copyright infringement.**

**5. Bad science.**

**6. Interoperability and open access.**

**1. Public goods.**

**2. Open Access.**

**3. Visibility.**

**1. Visibility.**

**2. Unpublished works.**

**1. administrative efficiency.**

**1. Feedback and commentary.**

**2. Commitment.**

**3. Rights management.**

**1. Massachusetts Institute of Technology libraries.**